

DARI

# خوشحالیم که تو اینجا هستی!


کتاب آشنایی با خدمات اطفال و نوجوانان برای  
اطفال و والدین پناهنده

Anna Laura Jacobi


Luisa Gebauer




فامیل یوسف مجبور شدند ابتدا خانه و بعداً وطن خود را ترک کنند. پدر گفت: «اینجا برای ما بسیار خطرناک شده است. ما باید از اینجا دور شویم.»  
آنها راه طولانی را سفر کرده‌اند. بعضاً مجبور بودند مسافت‌های طولانی را پیاده بروند. آنها یک بار همراه با اشخاص زیاد دیگری، ساعت‌ها در یک لاری مشکل سوار شدند. اشخاص زیادی در آنجا بودند. از این رو، جای آنها بسیار تنگ بود و یوسف بسیار ترسیده بود. بعضی اوقات غذای کافی نداشتند و بعضاً در جاهایی می‌خوابیدند که سرد و ناامن بود. وقتی یوسف به این سفر طولانی فکر می‌کند، دلگیر می‌شود.  
حالا فامیل یوسف در جرمنی در اقامتگاه مهاجرین زندگی می‌کنند.




یوسف، مادر، پدر و دوگانگی‌ها مو و بو در یک اتاق کوچک زندگی می‌کنند. اشخاص زیادی در این اقامتگاه زندگی می‌کنند. آنها در این مکان کوچک زندگی می‌کنند، می‌خوابند و غذا می‌خورند. در اینجا اکثراً مشاجراتی وجود دارد. حتی بعضی اوقات اشخاص کلانسال شبها مشاجره می‌کنند - و بنابراین هیچ کس نمی‌تواند خواب کند.



مو برادر کوچک یوسف، دائم گریه می‌کند. و وقتی مو گریه می‌کند، بو نیز گریه می‌کند. یوسف فکر می‌کند شاید دوگانگی‌ها هم اینجا را دوست نداشته باشند. بعضی روزها آنقدر با صدای بالا و طولانی گریه می‌کنند که حتی مادر هم با آنها گریه می‌کند. پاپا کاملاً سکوت می‌کند و یوسف دوباره آن احساس بد را پیدا می‌کند.



همه چیز بسیار متفاوت از خانه است: آب و هوا، لسان و مهمتر از همه غذا. برای همه اشخاص در اقامتگاه همیشه همه چیز تکراری است. یوسف اینجا را دوست ندارد. پشت غذاهایی که مادر برایش آماده می‌کرد، دل تنگ شده است.



اما بدترین چیز برای یوسف، بی‌حوصلگی است. صرفاً بعضی وقت معلمی به اقامتگاه می‌آید تا با اطفال جرمنی تمرین کند. با این حال، هر طفلی حق دارد به مکتب برود! یوسف این را می‌داند و برای مکتب دل تنگ شده است. او می‌خواهد درس بخواند و با اطفالی دیگر در زمین بازی، فوتبال کند. اما در جرمنی باید برای همه چیز منتظر بود. کلان‌ها مدام منتظر مکتوب و تعیین وقت هستند. یوسف منتظر مکتب است. اما هیچ کس نمی‌تواند بگوید این انتظار کسل‌کننده چقدر دوام خواهد کرد.

آیساتو نیز با مادر و خواهر کوچکش بینتا در این اقامتگاه زندگی می‌کند. بعضی اوقات یوسف نزد او می‌رود تا تيله بازی کند. یوسف امروز هم دروازهٔ خانه او را می‌زند. آیساتو دروازه را باز می‌کند و به او سلام می‌دهد: «سلام یوسف.» و بعداً می‌گوید: «امروز وقت ندارم با تو تيله بازی کنم. ما به مرکز فامیل می‌رویم.» او لبخند می‌زند و مشتاقانه منتظر آن است.

یوسف می‌پرسد: «برای کدام کاری؟»

آیساتو توضیح می‌دهد: «به مرکز فامیل.» «امروز بعدازچاشت در کلوپ اطفال ملاقات خواهیم کرد. در آنجا می‌توان بطور عالی بازی کرد و کارهای دستی انجام داد. همچنان یک باغ با درخت کوهنوردی و سرسره عالی وجود دارد. او می‌پرسد: «می‌خواهی همراه من بیایی؟»

یوسف بسیار هیجان زده است. بلی، او واقعا می‌خواهد با او برود. بنابراین آیساتو و یوسف نزد پدر و مادرشان می‌روند تا اجازه بگیرند. مادر آیساتو و بینتا آنها را همراهی می‌کنند.





آنجا همچنان یک کافه برای والدین و یک گروه اطفال نوپا برای این اطفال وجود دارد. مادر آیساتو توضیح می‌دهد که حتما دوگانگی‌ها از آن لذت می‌برند. «شما هم همراه ما بیایید.»

پدر دوباره می‌گوید: «نخیر، این خوب نیست.»

مادر فکر می‌کند. «این عالی به نظر می‌رسد، ما می‌توانیم یک بار آنجا را ببینیم.»

پدر با لحن اعتراض می‌گوید: «هوم، نمی‌دانم.»

مادر با دلگرمی می‌گوید: «من فکر می‌کنم همگی باید با هم به آنجا برویم.»

دوگانگی‌ها دوباره با صدای بلند گریه می‌کنند. مادر و پدر اصلا نمی‌شنوند که یوسف چی می‌گوید. بالاخره وقتی می‌تواند توضیح بدهد که می‌خواهد همراه آیساتو به مرکز فامیل برود، پدر سرش را تکان می‌دهد. «نخیر، یوسف، این خوب نیست.»

یوسف از قبل می‌ترسید که پدر این را قبول نکند. از زمانی که آنها به جرمنی آمدند، پدر بسیار محتاط شده است. یوسف فکر می‌کند، قطعاً این به این دلیل است که همه چیز برای او جدید و عجیب است. آیساتو می‌گوید: «بسیاری از اطفال دیگر و خانم اشمیت نیز در آنجا هستند. او بسیار صمیمی است و با ما بازی می‌کند. لطفاً یوسف می‌تواند همراه من بیاید؟ ما متوجه او خواهیم بود.»

پدر جواب می‌دهد: «نخیر، این خوب نیست.»



و بنابراین همگی آنها با هم به طرف مرکز فامیل می‌روند.

یک زن در ورودی به آیساتو سلام می‌دهد و می‌گوید «سلام آیساتو، چی کسی را با خود آوردی؟»

«سلام خانم اشمیت، این یوسف است. او دوست دارد با کلپ اطفال آشنا شود.»

«بسیار خوش آمدی یوسف. بسیار خوشحالیم که تو اینجا هستی!»  
خانم اشمیت می‌گوید «می‌بینم که مادر، پدر و برادرانت را هم همراه خود آورده‌ای. من خانم اشمیت هستم. آیا می‌توانم مرکز فامیل‌مان را به شما نشان دهم؟»





«اما بیشتر آنها برای پیشنهادات عالی ما برای اطفال و نوجوانان به اینجا می‌آیند. پیشنهادات رایگان است.»

پدر می‌خواهد بداند: «پس اینجا خانه‌ای برای اشخاص فقیر است؟»

خانم اشمیت می‌گوید: «نخیر، این خانه‌ای برای همه است. در جرمنی چنین خانه‌هایی در بیشتر شهرها و منطقه‌ها وجود دارد. خدمات اطفال و نوجوانان باید کمک نماید که اطفال و نوجوانان صحت‌شان خوب باشد و بتوانند صحیح رشد کنند. همه فامیل‌ها - فرقی ندارد که ثروتمند یا فقیر باشند - می‌توانند از پیشنهادات این مکان‌ها استفاده نمایند. بعضی از این پیشنهادات در اینجا در مرکز فامیل وجود دارد ...»

خانم اشمیت توضیح می‌دهد: «مرکز فامیل مکانی برای اطفال و والدین است. اشخاصی در اینجا کار می‌کنند که با امور تربیتی، روانشناسی و کمک‌رسانی اجتماعی آشنا هستند، مثل من. این وظیفه ماست. با اطفال و نوجوانان بازی کرده و جیمناستیک انجام می‌دهیم. وقتی کسی تشویشی دارد گوش می‌دهیم و برایش مشوره می‌دهیم. بعضاً در وظایف مکتب کمک می‌کنیم یا با هم آشپزی کرده و نان آماده می‌کنیم. ما به خدمات اطفال و نوجوانان در جرمنی تعلق داریم.»

پدر می‌پرسد: «پس آیا اینجا مکانی برای فامیل‌هایی است که به کمک ضرورت دارند؟»

«نخیر، این مکانی برای همه اطفال و والدین است.» خانم اشمیت توضیح می‌دهد: «و همچنان برای فامیل‌هایی است که به جسجوی کمک هستند.»





خانم اشمیت توضیح می‌دهد: «کلوپ اطفال امروز در باغ تشکیل می‌شود.»

این مرکز مشوره و رهنمایی فامیل ما است. خانم اشمیت می‌گوید: اگر مادر یا پدری احساس تشویش می‌کند، می‌تواند در اینجا مشوره بگیرد.

مادر یوسف می‌گوید: «قبلا من با مادر شوهر خود درباره تربیت اطفال صحبت می‌کردم.»

خانم اشمیت می‌گوید: «در اینجا اشخاص با تجربه به صحبت‌های والدین گوش می‌دهند و اگر مشکلی دارند با آنها برای پیدا نمودن راه حل همکاری می‌کنند. هر کسی می‌تواند یک وقت ملاقات تعیین نماید. البته گفتگوها قابل اعتماد و رایگان و در صورت علاقمندی محرمانه است.»

یوسف می‌گوید: «در خانه، کلوپ اطفال وجود نداشت. من همیشه با پسرخاله یا پسر کاکاهای خود بازی می‌کردم. خاله یا عمه و پدرکلان و مادرکلانم هم آنجا بودند.»

«در جرمنی اطفال زیادی هستند که پسر کاکاها یا پسر خاله‌ها، عمه‌ها یا خاله‌ها، کاکاها یا ماماها و پدرکلانها و مادرکلان‌هایشان بسیار دور زندگی می‌کنند. برای اینکه مجبور نباشند به تنهایی بازی کنند، پیشنهادات بازمانند کلوپ اطفال ما وجود دارد. اطفال تا شش سال به مهد طفل می‌روند و یک مرکز مراقبت بعد از مکتب برای متعلمین مکتبی وجود دارد.» خانم اشمیت توضیح می‌دهد: «صرفاً باید ثبت نام کرد.»



«اینجا در کافه، مادران و پدران می‌توانند یک قهوه یا چای بنوشند و با والدین دیگر معرفی شوند. بعضی اوقات شب‌های اطلاع رسانی در مورد موضوعات فامیل و والدین در اینجا برگزار می‌شود. ضمن این، طعم کیک خانم اوزتورک بسیار خوشمزه است.»

خانم اوزتورک می‌گوید: «سلام! اگر چیزی از الماری لباس ما ضرورت دارید، می‌توانید نزد من بیایید. ما آنجا لباس‌های طفلانه و سامان بازی داریم.»



خانم اشمیت می‌گوید: «اینجا گروه اطفال نوپا قرار دارند. این جایی است که والدین، نوزادان و اطفال نوپا با هم ملاقات می‌کنند. همکار من از این گروه مراقبت می‌کند. او به مادران و پدران رهنمایی می‌کند که چی‌قسم با نوزادان خود بازی کنند، از آنها حمایت نمایند و از آنها مراقبت کنند.»



پدر با وحشت زدگی می‌گوید: «یوگن تامپت؟ من داستان‌های زیادی در مورد یوگن تامپت شنیده‌ام!»  
پدر با شکایت می‌گوید: «آنها در تربیت دخالت می‌کنند و اطفال را از فامیل‌شان می‌گیرند!»

خانم اشمیت با حالتی دوستانه توضیح می‌دهد: «نخیر، هیچکس اجازه ندارد به آسانی یک طفل را از فامیل‌اش خارج کند. اطفال نسبت به والدین خود حق دارند و والدین حق دارند اطفال خود را کلان کرده و از آنها مراقبت کنند. این در قانون اساسی، مهمترین قانون جرمنی است. اما بعضی اوقات یک خطر بسیار جدی برای طفل به وجود می‌آید. بعضاً والدین خودشان نمی‌توانند از طفل‌شان حمایت کنند و بعضاً حتی یوگن تامپت هم نمی‌تواند کمک کند. تنها در این صورت می‌توان چنین اقدامی را انجام داد. این تصمیم‌گیری هیچ‌گاه به آسانی گرفته نمی‌شود. یک محکمه باید چنین تصمیمی را بررسی و تایید کند. خانم اشمیت

توضیح می‌دهد که اکثر اوقات، یوگن تامپت می‌تواند به والدین

کمک کند، اگر طفلی در خطر باشد. پس حتی ضرورتی

به چنین تصمیمی نیست. یوگن تامپت برای

حمایت از فامیل‌ها آنجاست - و نیز در

صورت وجود خطر.»

پدر با بی‌اعتمادی با لحن  
اعتراض: «هوم، نمی‌دانم.»



«این یک پیشنهاد برای نوجوانان است.  
در اینجا دقیقاً سوالات و موضوعاتی که برای آنها  
مهم است، مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. بطور مثال،  
درباره برخورد با احساساتی مانند خشم، عصبانیت  
یا ترس یا موضوعاتی در مورد رشد. این پیشنهاد،  
"کارگروه اجتماعی" نام دارد. خانم اشمیت توضیح  
می‌دهد که یوگن تامپت می‌خواهد به نوجوانان در  
شرایط سخت کمک کند.»



آیساتو با بی حوصلگی می‌پرسد: «بالاخره می‌توانیم برویم و بازی کنیم؟ من می‌خواهم به یوسف درخت کوهنوردی را نشان دهم!»

پدر باز هم بی اعتماد به نظر می‌رسد. حالا همه با تشویش به او نگاه می‌کنند. او با لحن اعتراض: «هوم. خوب. اما در وقت بالا شدن متوجه باشید.» او این را با لحن اعتراض‌آمیز می‌گوید.

«بلی!» یوسف بسیار خوشحال است. آیساتو دست او را می‌گیرد و به داخل باغ می‌دوند.





درخت کوهنوردی عالی است. یوسف حتی تا بالای درخت می‌رسد. از اینجا می‌تواند مادر و دوگانگی‌ها را ببیند. او همچنان پدر را می‌بیند. او در کافه نشسته و یک تکه کیک می‌خورد. آیا او لبخند می‌زند؟

«بیا به پایین یوسف. ما می‌خواهیم فوتبال کنیم!» آیساتو فریاد می‌کشد.

و بنابراین آنها یک روز عالی را در مرکز فامیل سپری می‌کنند.

از آن روز عالی، یوسف، مادر، پدر و دوگانگی‌ها اکثراً به مرکز فامیل می‌آیند.

خدمات مشوره تربیت و فامیل، نکاتی را به مادر و پدر ارائه کردند که چی‌قسم به آرامش دوگانگی‌ها کمک کنند. این نتیجه می‌دهد! مو و بو دیگر زیاد گریه نمی‌کنند و مادر هم دیگر اصلاً گریه نمی‌کند.

پدر دیگر بسیار بی‌اعتماد و خاموش نیست. حتی یک بار با یک کمک‌رسان اجتماعی از یوگن‌تامپت صحبت کرد. او به پیدا نمودن مرکز مراقبت روزانه اطفال برای مو و بو کمک می‌کند. او همچنان توضیح می‌دهد که چی‌قسم فامیل در زمانی که بتوانند اقامتگاه را ترک کنند، جهت پیدا نمودن یک محل سکونت پشتیبانی خواهند شد.

اما بهترین موضوع این است که یوسف دیگر اکثراً بی‌حوصله نیست. او و آیساتو دوستانی در کلوپ اطفال پیدا کردند که بازی کردن با آنها عالی است. و یوسف دیگر آن حالت بد را در دل احساس نمی‌کند.



والدین عزیز،

یوسف و فامیل او جدیداً وارد جرمنی شده‌اند و جدیداً با **خدمات اطفال و نوجوانان** آشنا شده‌اند. خدمات اطفال و نوجوانان بخشی از سیستم اجتماعی جرمنی است. هدف آن، همه فامیل‌ها هستند – صرف نظر از اصلیت یا لسان آنها. وظیفه آنها این است که به اطفال و نوجوانان کمک کنند که احساس خوبی داشته باشند و صحیح رشد کنند.

مرکز مراقبت روزانه اطفال (Kita) شناخته شده ترین خدماتی است که تقریباً همه اطفال در جرمنی از آن استفاده می‌کنند. اما قسمی که یوسف و فامیل او متوجه شدند، موارد بسیار بیشتری وجود دارد. هدف این کتاب ارائهٔ معلومات و تشویق شما به کشف پیشنهادات خدمات اطفال و نوجوانان است.

امیدوار هستیم از خواندن آن بسیار لذت ببرید!

**مسائل و موضوعات مهم در خدمات اطفال و نوجوانان:**

**یوگن‌تامپت (دفتر رفاه جوانان)**

هر شهر و هر منطقه (قریه) دارای **یوگن‌تامپت است**.

یوگن‌تامپت وظایف مختلفی دارند: آنها اطمینان حاصل می‌نمایند که شهرشان برای اطفال و فامیل‌ها، مناسب و دوستانه باشد. این به معنی آن است که بطورمثال زمین‌های بازی به اندازه کافی وجود داشته باشد و سیاستمداران تصمیمات خوبی برای فامیل‌ها بگیرند. یوگن‌تامپت اطمینان حاصل می‌کنند که مراکز خدمات اطفال و نوجوانان به خوبی کار می‌کنند. کمک‌رسانان اجتماعی نیز در یوگن‌تامپت کار می‌کنند. وظیفه آنها حمایت از اطفال، نوجوانان و والدینی است که خواستار مشاوره یا کمک هستند. و زمانی که طفل در خطر است، همراه با والدین برای بهبود وضعیت و محافظت از طفل همکاری می‌کنند.



**مراکز مراقبت بعد از مکتب (مکتب / اطفال)** پیشنهادات مراقبتی (بعد از چاشت) برای اطفال مکتبی الی 14 ساله است. در اینجا اطفال نان‌چاشت دریافت می‌کنند و در انجام وظایف خود پشتیبانی می‌شوند، آنها در فعالیت‌های اوقات فراغت اشتراک می‌کنند و در مسائل تعلیمی حمایت می‌شوند. مکاتب، اکثراً مراکز مراقبت بعد از مکتب متعلق به خود دارند. یوگن‌تامپت همچنان می‌تواند در جستجوی یک مرکز مراقبت روزانه بعد از مکتب حمایت کننده باشد.

**مراکز فامیل** مراکزی هستند که در آنها چندین پیشنهاد خدمات اطفال و نوجوانان ارائه می‌شود. آنها می‌توانند رهنمای خوبی برای رسیدن به شهر و ناحیه جدید باشند.

**مراکز تعلیم فامیل** کورس‌هایی را در عرصه‌های زندگی فامیلی، صحت و اوقات فراغت ارائه می‌دهند. برای کلانسالان پیشنهادهاتی در مورد موضوعاتی ازقبیل مشارکت و تربیت وجود دارد. بعضی اوقات پیشنهادات دیگری نیز وجود دارد، بطورمثال کورس‌های لسان جرمنی یا خیاطی. بسیاری از کورس‌ها با هم برای والدین و اطفال برگزار می‌شوند، بطورمثال ماساژ نوزاد، تعلیم تکمیلی و والدین - طفل. اکثراً برای اطفال پیشنهادهاتی از قبیل تعلیم موسیقی مقدماتی، صنایع دستی یا ورزش وجود دارد.

**در پیشنهادات باز خدمات اطفال و نوجوانان**، می‌توان بدون ثبت نام و رایگان اشتراک نمود. بطور مثال، کلوپ‌های اطفال و نوجوانان، زمین‌های بازی ماجراجویی با مراقبت اجتماعی- تعلیمی، جلسات والدین یا گروپ‌های نوپا برای اطفال نوپا و والدین آنها وجود دارد. بسیاری از مراکز اجتماعی (مراکز جوانان، فامیل، ناحیه یا منطقه) پیشنهادات باز ارائه می‌دهند.

**پیشنهادات اوقات فراغت و رخصتی‌ها** به اطفال و نوجوانان فرصت‌های عالی برای تعامل خلاقانه، ورزشی یا فرهنگی با همسن و سالان خود در جریان رخصتی‌ها ارائه می‌دهد. همچنان آنها از نظر تعلیمی حمایت می‌شوند. این پیشنهادات، ذریعه مراکز خدمات اطفال و نوجوانان ارائه می‌شود. یوگن‌تامپت می‌توانند به پیدا نمودن پیشنهاد مناسب برای رخصتی‌ها کمک کنند. در صورت ضرورت امکان حمایت مالی نیز وجود دارد.

**کمک رسانی تربیت** از فامیل‌هایی با چالش‌های خاص حمایت می‌کند تا اطفال بتوانند با وجود شرایط سخت صحت شان خوب باشد و صحیح رشد کنند.

تجربیات پناهندگی، ورود به جامعه جدید و محدودیت‌های پناهندگی و سیستم پذیرش مهاجرین نیز می‌تواند بار کلانی برای فامیل‌ها ایجاد نماید.

بطور مثال، کمک در تربیت عبارتند از:

· از یک **مشوره تربیت و فامیل** همه والدین می‌توانند – در صورت درخواست – و بصورت محرمانه استفاده نمایند.
مراکز تربیت و مشوره فامیل را می‌توان در یوگن‌تامپت، در مراکز فامیل و در مراکز منطقه پیدا نمود. در اینجا ضمن سوالات مربوط به تربیت و زندگی فامیلی، والدین می‌توانند در مورد مسائل ازدواج یا شراکت نیز صحبت کنند.

· یک **کمک‌رسان اجتماعی تربیتی فامیل (SPFH)**. متخصصی است که بطور منظم با فامیل ملاقات می‌کند تا از والدین در مورد موضوعات خاص حمایت کند.

· یک **اسیستانت تربیت یک اسیستانت مراقبت است که** بطور منظم از یک طفل یا نوجوان و در صورت وجود مشکلات در زندگی روزمره، در مکتب یا خانه، در مسائل مربوط به رشد شخصی حمایت می‌کند.

یک SPFH یا یک اسیستانت تربیت، ذریعه یوگن‌تامپت ماموریت پیدا می‌کند. والدین می‌توانند در صورت علاقه برای دریافت چنین حمایتی، با یوگن‌تامپت به تماس شوند. بعضی اوقات، زمانی که یوگن‌تامپت دلایلی برای ضرورت به کمک دارد، با خود فامیل صحبت می‌کند و با آنها تصمیم می‌گیرد که کدام کمک برای آنها مناسب است.

## خدمات بیشتر برای رفاه اطفال و فامیل‌ها:

برای **زنان حامله، نوزادان، اطفال نوپا** تا سن سه سال و والدین آنها نیز پیشنهادات موثری در قسمت صحت وجود دارد:
کورس‌های تعلیمی آمادگی ولادت و بعد از ولادت برای زنان، کورس‌های تربیتی برای مادران و پدران جوان و مشاوره درباره مراقبت و ارتقای نوزادان و اطفال نوپا.
قابله‌ها(فامیل)، خدمات اجتماعی در شفاخانه‌ها، مراکز تعلیم فامیل و مراکز مشوره در یوگن‌تامپت، مراکز ارتباطی برای کمک‌های اولیه هستند.

**خوب است بدانید:** در جرمنی **معاینات تشخیص زودهنگام** برای اطفال وجود دارد تا سن 6 سالگی. این معاینات (U1-U9) ذریعه داکتر اطفال صورت می‌گیرد و نه تنها صحت طفل بلکه وضعیت رشد ذهنی و حرکتی او را نیز بررسی می‌کند. این موضوع برای تشخیص زود هنگام اینکه آیا طفل به حمایت خاص ضرورت دارد یا خیر، اهمیت دارد. در بسیاری از ایالت‌های فدرال، والدین دعوت نامه دریافت می‌کنند. همچنان می‌توانید از داکتر اطفال یا قابلهٔ خود معلومات بدست آورید. U1 الی U9 ذریعه U10 و U11 و نیز معاینات صحی جوانان J1 و J2 دنبال می‌شود. یک "کتابچه زرد" معاینات U را ثبت می‌کند.

ناشر می‌خواهد از آقای Stefan Zavar-Schlegel، رئیس خدمات اجتماعی عمومی شهر Trier و خانم داکتر Johanna Graf، متخصص عصبی-روانی و روانشناسی اطفال، نوجوانان و کلانسالان در مشوره مفهومی و تخصصی قدردانی نمایند.

این کتاب تصویری و خواندنی به لسان‌های آلبانیایی، عربی، دری، جرمنی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، سومالیایی، تیگرینیایی و ترکی منتشر شده است.


<b>IMPRESSUM</b>	
<b>ناشر</b>	Save the Children Deutschland e.V. Seesener Straße 10–13 10709 Berlin
	Plan International Deutschland e.V. Bramfelder Str. 70 22305 Hamburg
<b>مفهوم و مشارکت</b>	Luisa Gebauer داکتر Johanna Graf داکتر Stefanie Röhrs Janneke Stein Eli Myriam Tchouadje
<b>متن</b>	Luisa Gebauer
<b>تصویرسازی و طراحی</b>	Anna Laura Jacobi
<b>ویرایش</b>	Angelika Lauriel
<b>ترجمه</b>	Dialecta Center for International Language Services GmbH
<b>چاپ</b>	dieUmweltDruckerei GmbH

کاپی رایت © Save the Children Deutschland e.V. و Plan International Deutschland e.V. – برلین و هامبورگ 2022

تنظیم تصاویر و متن این کتاب در قالب پروژه ”با هم برای مشارکت بیشتر اطفال و فامیل‌های پناهنده در سیستم خدمات اطفال و نوجوانان انجام شد. ایجاد دسترسی – و همکاری را ارتقا دهید!“ تامین شده ذریعه وزارت فامیل، سالمندان، زنان و جوانان فدرال. این نشریه تحت نظر وزارت فامیل، سالمندان، زنان و جوانان فدرال نیست.







یوسف با مادر، پدر و دوگانگی‌های کوچکتر از خود، مو و بو در اقامتگاه مهاجرین زندگی می‌کند. او از اینجا خوشش نمی‌آید. این فامیل در یک اتاق کوچک زندگی می‌کنند و آنها در این اقامتگاه تنها نیستند، اکثراً در این مکان مشاجراتی بین اشخاص رخ داده و اطفال هیچ کاری برای انجام ندارند. یوسف بیشتر اوقات بی حوصله است. همچنان دوگانگی‌ها هم اینجا را دوست ندارند، و دائماً گریه می‌کنند. مادر و پدر واقعا نمی‌دانند چی‌قسم این وضعیت را بهتر کنند. یوسف از طریق دوست خود آیساتو با خدمات اطفال و نوجوانان آشنا می‌شود. او بسیار زود دوستان جدیدی در کلوپ اطفال پیدا می‌کند و مادر و پدر متوجه می‌شوند که چی‌قسم پیشنهادات خدمات اطفال و نوجوانان می‌تواند فامیل را در زمان ورود به جرمنی و در چالش‌های دیگر حمایت کند.

## کتاب آشنایی با خدمات اطفال و نوجوانان برای اطفال و والدین پناهنده

Gefördert vom:



Bundesministerium  
für Familie, Senioren, Frauen  
und Jugend



**Save the Children**